



هدف و نتایج لوایح جدید

یکی از نشانه‌های بارز بحران قدرت در ایران، کشمکش و منازعه بی پایان جناح‌های هیئت حاکمه و عمیق‌تر شدن بحران در دستگاه دولت و حکومت است. هرتلاشی از سوی هیئت حاکمه و باندهای درونی آن برای غلبه بر بحران، به بحرانی ژرف تر می انجامد. رویدادهای چند سال اخیر به وضوح این حقیقت را نشان داده است.

ارائه دو لایحه از سوی خاتمی به مجلس ارتجاع اسلامی و تشدید تضادها و درگیری - های لفظی دوجناح در هفته گذشته نیز بیان دیگری از همین حقیقت است. در هفته ای که گذشت رئیس جمهور حکومت اسلامی لایحه "تبیین اختیارات رئیس‌جمهوری" به منظور بسط اختیارات خود و هم زمان با آن لایحه "اصلاح قانون انتخابات" را به منظور حذف نظارت استصوابی شورای نگهبان با هدف محدود کردن حیطه اقتدار جناح رقیب به مجلس ارائه داد. توجه و دست آویز استدلال هرچه باشد و ناگفته روشن است که به قصد عوام‌فریبی به نام مردم و منافع آنها ابراز می‌شود، اما در واقعیت امر چیزی نیست مگر منازعه درونی در بالا، بر سر تاکتیک‌های مهار بحران و سهم و نقش هر یک از دوجناح در قدرت.

این که چرا این دو لایحه، اکنون به مجلس ارائه می‌شوند و در این مقطع زمانی به مسئله مورد مشاجره درونی هیئت حاکمه تبدیل می گردند، خود بیانگر اهداف نهفته در آنهاست. در واقع، مسئله از این قرار است که جناح مسلط هیئت حاکمه به رهبری خامنه ای که ارگان‌ها و نهادهای اصلی ماشین دولتی نظیر ارتش، سپاه، بسیج، پلیس، دادگاهها را در

صفحه ۲

در برابر تعرض سرمایه داران به حقوق کارگران باید ایستاد!

بررسی چگونگی تغییر قانون کار وحدود این تغییرات را طبق رهنمودها والگوهایی سرمایه بین المللی و "سازمان جهانی کار" پی گیری و دنبال می کرد، سرانجام نتیجه نهایی کار خود را البته نه به طور شفاف و کامل، بلکه ناقص و با در نظر گرفتن پاره‌ای ملاحظات اعلام نمود. از همین ملاحظاتی که سرمایه‌داران و دولت پاسدار منافع آنها، در اعلام و علنی ساختن یکباره ی تمام این تغییرات و تصمیمات به‌کار می‌برند، می‌توان به درجه وقاحت سرمایه‌داران و تعرض خشن آنان علیه کارگران و ابعاد فاجعه آمیزی که

در ادامه تعرضات همه جانبه سرمایه داران علیه کارگران، و پس از چند سال کشاکش بر سر تغییر قانون کار، سرانجام این تعرض به عرصه قانون کار نیز تعمیم یافت. طبقه سرمایه دار که در این مورد از حمایت و پشتیبانی بی بروبرگرد مجلس و کابینه خاتمی برخوردار است، به قانون کاری که دوده پیش‌در شرایط سیاسی و توازن قوای دیگری مصلحتاً پذیرفته شده بود، دست - اندازی کرد و با ایجاد تغییر در آن، زمینه کسب سودهای بیشتر و تشدید استثمار خشن و بی قید و شرط کارگران را بیش از پیش مهیا ساخت. هیئت سه‌جانبه‌ای که مدت‌هاست

صفحه ۳

سرکوب و فشار علیه حزب کمونیست فیلیپین و رهبران آن را محکوم می‌کنیم!
تشدید فشار اتحادیه اروپا علیه احزاب و سازمان‌های سیاسی فیلیپین ۲

عواقب یک بدهی هشتاد میلیارد دلاری

میزان بدهی که رژیم جمهوری اسلامی تنها از منابع خارجی برای توده های زحمتکش مردم ایران ایجاد نموده، چه مقدار است؟ مقامات دولتی و مراکز وابسته به رژیم، هر یک رقمی از ۲۱ میلیارد تا ۸۰ و حتی ۱۰۰ میلیارد دلار را اعلام کرده‌اند. به رغم این که رژیم، همواره رقم واقعی بدهی ها را پنهان نگاه داشته است، اما بدیهی بود که به ویژه با توجه به سیاست‌های اقتصادی خاتمی، باید رقمی بسیار فراتر از آن چیزی باشد که بانک مرکزی رسماً اعلام می کند. با این وجود به جز افراد معدودی از درون خود رژیم، کسی نمی‌دانست که این رقم هم اکنون به حدود ۸۰ میلیارد دلار رسیده است. این میزان کلان بدهی‌های رژیم، چند روز پیش بر ملا شد که محمد هاشمی، برادر هاشمی‌رفسنجانی، در یک مصاحبه با روز نامه جمهوری اسلامی به دفاع از عملکرد هاشمی‌رفسنجانی در دوره ۸ ساله ریاست جمهوری اش برخاست. وی در پاسخ به اظهارات خاتمی که چندی پیش در گزارش عملکردش گفته بود در این دوره ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار از بدهی‌های دوره رفسنجانی رابازپرداخت کرده است، چنین پاسخ داد:

صفحه ۸

وحشی‌گری جدید حکومت اسلامی

در ساعت ۵/۵ تا ۶ بامداد روز یکشنبه ۷ مهر ماه، ۵ جوانی که سن آنها بین ۲۰ تا ۲۵ سال اعلام شد، در میدان های آزادی و استقلال لویزان تهران به دار کشیده شدند. دستگاه قضایی حکومت اسلامی جرم آنها را ربودن زنها و دختران جوان و اذیت و آزار آنان اعلام نمود و باهمین اتهام آنها رابه‌اعدام در ملاء عام محکوم نمود.

صفحه ۷

در این شماره

- ۶ **تظاهرات مردم جهان علیه سیاست‌های جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا**
- ۷ **گزارشی از غرفه تشکیلات خارج کشور سازمان در جشن اومانیته**
گزارشی از انتخابات سوئد
- ۵ **پشت پرده انتخابات در سوئد و ریاکاری جریان‌های راست**
- ۶ **تداوم اعتراضات علیه سیاست‌های اقتصادی امپریالیستی**
- ۷ **مراسم چهاردهمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران**
- ۴ **اخباری از ایران**

هدف و نتایج لوايح جديد

سرکوب و فشار علیه حزب کمونیست فیلیپین و رهبران آن را محکوم می‌کنیم!

تشدید فشار اتحادیه اروپا علیه احزاب و سازمان‌های سیاسی فیلیپین

شخصی رفیق سی‌سون و همسرش بلوکه شده و گذران زندگی روزمره رفیق و خانواده‌اش مختل شده است.

منزل و اثاثیه وی از طرف اداره وابسته به تامین اجتماعی هلند، ضبط و از محل مسکونی‌اش اخراج شده است. رفیق سی‌سون و اعضای خانواده‌اش قریب به یک ماه است که آواره و بدون هرگونه تامین مالی به سر می‌برند. لازم به ذکر است که دولت هلند و سایر دول اروپایی کلیه حساب‌های بانکی احزاب و سازمان‌های فوق را بلوکه کرده و مانع از فعالیت و تردد فعالین و اعضای آنها هستند. اقدامات سرکوب‌گرانه و ضد دموکراتیک علیه رفیق سی‌سون موجی از اعتراض و انزجار را برانگیخته است. دهها سازمان و جریان سیاسی در سطح جهان با محکوم کردن تصمیم اتحادیه اروپا مبنی بر "تروریست" خواندن این جریان‌ها، فشار بر رفیق سی‌سون و خانواده‌اش را محکوم نمودند. سازمان ما نیز با ارسال پیامی، اقدامات فوق را محکوم نموده است. از دیگر جریان‌ها حمایت کننده می‌توان از جبهه آزادیبخش خلق برای آزادی فلسطین (FARC)، حزب کارلرژیک، حزب سوسیالیست هلند نام برد. همچنین آکسیونها و میتینگ‌های متعددی در هلند، آلمان، سوئد و انگلیس در حمایت از رفیق سی‌سون برگزار شده است.

در ادامه سیاست‌های فشار دول امپریالیستی، اتحادیه اروپا، اخیراً چند حزب و سازمان سیاسی فیلیپین را به لیست "جریان‌ها تروریستی" افزود و بدین ترتیب، اقدامات سرکوب‌گرانه علیه فعالین سیاسی را تشدید نمود.

در اواخر ماه اوت، اتحادیه اروپا، حزب کمونیست فیلیپین (CPP) و ارتش نوین خلق فیلیپین (NPA) را "تروریست" خواند و متعاقباً فشار بر سازمان‌ها و فعالین و اعضای آنها افزایش یافت.

یکی از این اقدامات، متوجه رفیق "خوزه ماریا سی‌سون" از بنیان‌گذاران حزب کمونیست فیلیپین است که در هلند به سر می‌برد. وی در سال ۱۹۸۷ به عنوان پناهنده سیاسی وارد هلند شد. مقامات هلند به مدت ۵ سال از اعطاء حق پناهندگی به رفیق سی‌سون سرباز می‌زدند تا این که سرانجام به دنبال اعتراضات وسیع جهانی، وی و خانواده‌اش به عنوان پناهنده سیاسی به رسمیت شناخته شدند. رفیق سی‌سون که از کمونیست‌های شناخته شده در فیلیپین و در سطح بین‌المللی می‌باشد و نقطه نظرات ضد سرمایه داری و ضد امپریالیستی‌اش در جزوات و کتب مختلف انتشار یافته است، هم اکنون تحت شدیدترین فشارها قرار گرفته است. از هنگام اعلام حزب کمونیست فیلیپین، به عنوان حزبی "تروریست" حساب بانکی

اختیار دارد و یگانه تاکتیک مقابله با بحران و ناراضی‌توی توده‌ای را قهر و سرکوب می‌داند، به این نتیجه رسیده است که مقدم بر هر چیز باید به کشمکش درونی هیئت حاکمه پایان دهد و حاکمیت یکپارچه خود را برقرار سازد. این جناح، پیشبرد این سیاست را به لحاظ زمانی در موقعیت کنونی مناسب می‌داند. چراکه اگر در مراحل اولیه به قدرت رسیدن خاتمی و سپس سلطه طرفداران وی در مجلس، از آن بیم داشت که واکنش آنها به یک بحران جدی تبدیل شود، اکنون که عملکرد چند ساله آنها به تضعیف روزافزون شان انجامیده است، موقعیت را برای تعرضی همه جانبه تر برای حذف لاف‌گروه‌های اصلی و رهبری کننده جبهه دوم خرداد مناسب می‌بیند. وظیفه پیش‌برد این سیاست نیز در وهله نخست برعهده شورای نگهبان قرار گرفته است. حدوداً یک سال و نیم پیش‌تر به پایان دوره کنونی مجلس ارتجاع باقی نمانده است. شورای نگهبان از هم اکنون خود را آماده کرده است که در انتخابات دوره بعد، طرفداران خاتمی را قلع و قمع کند و صلاحیت گروه کثیری از آنها را رد نماید تا بدین طریق مجلس را از چنگ آنها در آورد و به جناح خود بسپارد. دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی نیز مدتی بعد به پایان می‌رسد. اگر تا آن زمان جمهوری اسلامی هنوز پابرجا باشد، جانشین وی کسی خواهد بود که نخست از خامنه‌ای کسب اجازه کرده باشد.

از همین روست که خاتمی و طرفداران وی شدیداً خطر را احساس کرده‌اند. نگرانی آنها تنها در این نیست که در نتیجه پیشبرد سیاست - های جناح رقیب خود به یک گروه حاشیاهی حکومت تبدیل شوند، بلکه نگرانی اصلی آنها، تسریع انفجار انقلابی و سرنگونی کل رژیم است. لذا برای خنثی کردن سیاست‌های جناح رقیب و مقابله با اهداف آن به یکرشته تاکتیک - های جدید متوسل شده‌اند تا لاف‌گروه موجود را حفظ کنند. لوايح پیشنهادی خاتمی به مجلس در خدمت این تاکتیک‌هاست. در نهایت این تاکتیک‌ها، اهرم فشاری به جناح رقیب برای چانه زدن بر سر سهمی ست که طرفداران خاتمی می‌خواهند در قدرت سیاسی داشته باشند و الا پر واضح است که نه شورای نگهبان به حذف نظارت استصوابی و محدود کردن حیطه اقتدار خود تن خواهد داد و نه بسط حیطه اختیارات رئیس جمهوری حکومت اسلامی را به زیان سیاست‌های جناحی که پشتیبان شورای نگهبان است، می‌پذیرد. از هم اکنون حتی برخاسته و طرفداران وی نیز روشن است که شورای نگهبان لوايح پیشنهادی را که به تصویب مجلس خواهد رسید، رد خواهد کرد و مدت‌ها بعد نوبت مجمع تشخیص مصلحت خواهد بود

مرحله اجرا در آورد، معضل رژیم به جای خود باقی خواهد ماند. چون در واقعیت امر تضادها و کشمکش‌های درونی رژیم و بحران حکومت، معلول تضادها و بحران‌های دیگرند و نه علت. آنها نتیجه و جزء لاینفکی از بحران سیاسی‌اند که برخاسته از تضادهای لاینحلی ست که به نقطه انفجار رسیده‌اند. هیچیک از دو جناح رژیم راه حلی ولو برای تخفیف این تضادها ندارند. لذا حتا اگر یک جناح رژیم بتواند سلطه یک پارچه و بی چون چرای خود را برقرار کند و موقتاً هم که شده تضاد در بالا و بحران حکومت را تخفیف دهد، دوباره تضادها در بالا تشدید خواهند شد و شکاف‌های درونی خود را نشان خواهند داد. بگذریم از این که عجلانها هیچ یک از دو جناح در چنان موقعیتی هستند که بتوانند شکاف درونی هیئت حاکمه را از میان بردارند و نه‌اوضاع داخلی و بین‌المللی به‌ویژه به جناح مسلط چنین امکانی را می‌دهد.

هیئت حاکمه راه‌گزینه‌ای از تضادها و شکاف‌های درونی و ادامه بحران در بالا ندارد. این وضع ادامه خواهد یافت تا بالاخره نیرویی خارج از حکومت به این تضادها و بحران‌ها پایان بخشد.

که آنها را در کند. تهدیدهای طرفداران خاتمی هم مبنی بر این که وی در چنین حالتی استعفا خواهد داد، یک توپ توخالی و تاکتیک شکست خورده است. خاتمی حافظ و پاسدار حکومت اسلامی ست. او همان‌گونه که خود مکرر اعلام کرده است، می‌خواهد بحران‌های رژیم را حل کند و مطلقاً در پی آن نیست که حتا در خدمت پیشبرد سیاست‌های جناح خودش، بحران را تشدید کند. از این گذشته دورانی که وی می‌توانست چنین نقشی بازی کند، مدت‌ها پیش سپری شده است. بنابراین می‌ماند این که جناح مسلط در آینده تا چه حد نیاز خواهد داشت که آنها را در خدمت سیاست‌های خود به کارگیرد. قطعاً این جناح ناگزیر است، گروه‌ها و دستجاتی را از جبهه دوم خرداد برای پیشبرد سیاست‌های خود به کارگیرد و آنها نیز مشکل چندان برای کار کردن تحت اتوریته و فرمان این جناح ندارند، همان‌گونه که در گذشته بوده است، از این نمونه‌اند کارگزاران رفسنجانی و مجمع روحانیون کروی. با تمام این اوصاف، حتا اگر اوضاع به‌روایی پیش رود که جناح مسلط هیئت حاکمه بتواند، سیاست خود را کاملاً به

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

در برابر تعرض سرمایه داران به حقوق کارگران باید ایستاد!

گاه ها برای استفاده از مزایای لایحه فوق، فوراً دست به اخراج کارگران زدند تا تعداد کارگران را به ۵ کارگر برسانند، در مورد آئین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار نیز مسئله تکرار خواهد شد و کارفرمایان برای استفاده از مزایای این آئین نامه، دست به اخراج کارگران خواهند زد تا شمار آنها به مرز ۱۰ نفر و کمتر برسد. به ویژه آنکه این بار آنان از اختیارات بیشتری نیز برخوردار شده اند و نه فقط در این راه منع قانونی ندارند، که آشکارتر و همه جانبه تر از گذشته، از حمایت های قانونی نیز برخوردارند. بنابراین، این مسئله کاملاً روشن است که با اجرای این آئین نامه، هم، انبوه بسیار زیادی از کارگران، کار خود را از دست خواهند داد و هم در عین حال شمار کارگرانی که از شمول قانون کار خارج خواهند شد از تعداد کارگرانی که در لحظه حاضر در کارگاه های با کمتر از ۱۰ کارگر مشغول به کارند، بسیار فراتر خواهد رفت. رابعا این درست است که برطبق آئین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار، کارگران کار - خانه ها و کارگاه های بزرگ هنوز رسماً و یا بر روی کاغذ از شمول قانون کار خارج نشده اند، اما این مسئله نیز روشن است که چه از ناحیه اجرای این آئین نامه و چه از ناحیه ایجاد تغییرات دیگری در قانون کار به نفع سرمایه داران، کل طبقه کارگر ایران تحت فشارها و تضییقات بیشتری قرار می گیرد و مجبور است مبارزات خود را علیه طبقه سرمایه دار در شرایط پیچیده تر و دشوارتری سازمان دهد. از هم اکنون دارند سر و ته بسیاری از مزایای کارگران این واحد ها را نیز می زنند. در زمینه تامین وسایل ایمنی کار، پشت گوش اندازی می کنند. در زمینه دفترچه های بیمه و ارائه خدمات اجتماعی نیز مشکل تراشی می کنند. برای نمونه سازمان تامین اجتماعی، مسئولیت ارائه بسیاری از خدمات این سازمان را دارد به کارفرما محول می کند. بنا به گزارش ایسنا، "در صورت تقاضای کارفرمایان کارگاههایی که بیش از ۱۰۰ کارگر دارند، یک درصد از وجوه مبنای کسر حق بیمه طبق قانون تامین اجتماعی به آنان پرداخت می شود و در مقابل مسئولیت پرداخت غرامت دستمزدایم بیماری، کمک هزینه بارداری، کمک هزینه ازدواج، هزینه پروتز و اورتز، پرداخت هزینه کفن و دفن، پرداخت هزینه سفر، اقامت بیمار و همراه به بیمه شدگان شاغل در کارگاه، به کارفرما محول می شود." و بعد سازمان تامین اجتماعی هم بر حسن اجرای تعهدات کارفرما نظارت خواهد کرد! هیچ تردیدی در این مسئله وجود ندارد که این ترفند سازمان تامین اجتماعی نیز اساساً شانه خالی کردن

همه هزینه بردار است و سرمایه دار مایل نیست این هزینه ها را بپردازد و می خواهد این پولها را نیز به جیب بزند و در ضمن قید و بندی در زمینه شرایط استخدام کارگر، اخراج کارگر، تعیین ساعات کار و دستمزد و اضافه کاری و امثال آن نداشته باشد. از وضعیت اقتصادی و روابط بین کارگر و کارفرما نیز، سرمایه دار چندان رضایت ندارد. اگر وضعیت بحرانی حاکم است و سرمایه دار عجلانمی تواند در شکل و اندازه مورد دلخواه خود، سود کسب کند، نمی خواهد در تعطیل یک بخش یا تمام کارخانه و اخراج کارگران یک بخش یا تمام کارخانه هیچگونه محدودیتی داشته باشد و هرگونه قید و بندی قانونی در این زمینه، یا تعهدات مالی و حقوقی نسبت به وضعیت شغلی و آینده کارگران او را شدیداً آزار می دهد و با آن مخالف است. سرمایه دار نمی خواهد چیز دیگری جز اراده و خواست او، بر شرایط کار و روابط کارگر و کارفرما حاکم باشد. آنچه تحت عنوان "مصلحت" فرمول بندی شده، در واقع امر منفعت بی چون و چرای سرمایه داران است که مبنای تهیه، تنظیم و اجرای آئین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار قرار گرفته است. طبق مواد هفتگانه این آئین نامه، نه فقط نزدیک به ۴ میلیون کارگر از شمول قانون کار خارج می شوند و معیار و اراده ی ناظر بر شرایط کار، استخدام، اخراج، تعیین میزان دستمزد، ساعات کار، اضافه کاری و امثال آن، معیار و اراده ی یکجانبه سرمایه دار است، بلکه با حذف مواد دیگری از قانون کار که مربوط به تعقیب و مجازات کارفرمایان می شد در صورتی که طبق ضوابط عمل نمی کردند، اکنون سرمایه داران و کارفرمایان در قبال اقدامات خود از لحاظ حقوقی و قانونی نیز به هیچ مقام و مرجعی پاسخگو نخواهند بود. باید در نظر داشت که اولاً این فقط حدود ۳ میلیون و هشتصد و پنجاه هزار کارگری که در بیش از دو میلیون کارگاه کوچک با ده کارگر یا کمتر از آن مشغول به کارند نیستند که بدین وسیله به شدت تحت فشارهای مالی و اقتصادی قرار می گیرند و سطح معیشت و زندگی آنان، مرزهای فقر و گرسنگی مزمن و دایمی را پشت سر می گذارد. با در نظر گرفتن ۵ نفر به عنوان متوسط اعضاء خانوار کارگری، شمار این انسانها که قرار است به بهاء منفعت و سود بیشتر و فربه تر شدن سرمایه داران، با فقر، بیماری و تیره روزی و حشتناک تری روزگار بگذرانند به حدود ۲۰ میلیون می رسد. دوماً مسئله به هیچ عنوان صرفاً به کارگاه های با کمتر از ۱۰ کارگر خلاصه نخواهد شد و همان طور که در مورد لایحه خروج کارگاه های کوچک با کمتر از ۵ کارگر از شمول قانون کار پیش آمد و صاحبان کار -

این تصمیمات و تغییرات برای طبقه کارگر به دنبال دارد پی برد. معهداً این فقط نگفته ها نیست که از ابعاد فاجعه آمیزی که تصمیمات سرمایه داران و کارگزاران آنها برای طبقه کارگر به دنبال دارد، پرده برمی دارد، گفته ها نیز - تا آنجایی که گفته شده است ولو به شیوه قطره چکانی - آشکار و صریح بر این قضیه صحنه می گذارند.

در مورد چگونگی اجرای ماده ۱۹۱ قانون کار، اخیراً آئین نامه ای در هفت ماده، از سوی عطاردیان دبیرکانون عالی انجمن های صنفی کارفرمایان و صادقی رئیس کانون عالی شورا های اسلامی کار به امضاء رسید. به گزارش خبرنگار ایسنا، "به موجب این آئین نامه، تعداد کارگران، شرایط کار، وضع اقتصادی کارگاه و روابط کارگر و کارفرما، مصلحت - هائی هستند که باعث شده اند تدوین کنندگان آن، کارگاههای کوچک دارای کمتر از ۱۰ نفر کارگر را از شمول ۸۵ ماده قانون کار و موادی از فصل تنبیهات و مجازات ها که مربوط به تنبیه و مجازات متخلفان از موادی است که در این آئین نامه حذف شده اند، خارج می کند" مستقل از چگونگی و نحوه اجرای سایر مواد قانون کار و مستقل از تغییرات سایر مواد و بندهای قانون کار از جمله مواد ۲۷، ۴۹، ۱۸۹، ۵۰ و غیره که چند و چون آن در آینده روشن تر خواهد شد، علی الحساب طبق همین آئین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار، میلیونها کارگر دیگر از شمول قانون کار خارج و از حداقل حمایت های قانونی که داشتند نیز، محروم می شوند.

حقیقتاً از این وقیحانه تر و بی رحمانه تر نمی شد منافع سرمایه داران و استثمارگران را زیر عنوان "مصلحت" فرمول بندی کرد و برای تامین این منافع، طبقه کارگر و سفره خالی کارگران را مورد یورش قرار داد. به راستی "تعداد کارگران، شرایط کار، وضعیت اقتصادی کارگاه و روابط بین کارگر و کارفرما"، چگونه "مصلحت"هایی هستند که بر آن مبنا چند میلیون کارگر را باید از شمول قانون کار خارج ساخت و دهها هزار کارگر دیگر را به خیابان پرتاب کرد؟ سرمایه دار دنبال افزایش سود است. دنبال این است که چگونه هزینه را کاهش و سود را افزایش دهد. سرمایه دار می خواهد از شمار کمتری از کارگران، کار بیشتری بکشد و دست -مزدی که به فرض به صد کارگر می دهد، به ۵۰ کارگر بدهد. اما دوبرابر یعنی به اندازه همان صد کارگر از آنها کار بکشد. پس منفعت سرمایه دار در این است که شمار زیادی از کارگران را دک کند. سرمایه دار نمی خواهد هیچگونه تعهد و قید و بندی در زمینه شرایط کار داشته باشد. تامین بهداشت، ایمنی محیط کار، لباس کار، ایاب ذهاب و غیره، این ها

اخباری از ایران

* دانشجویان پیام نور دست به اعتراض زدند

صدها تن از دانشجویان دانشگاه پیام نور مشهد، در ساختمان اصلی این دانشگاه دست به تجمع اعتراضی زدند و نسبت به کیفیت وامکانات پائین آموزشی و نیز انتقال کلاس های آموزشی به مکانی با کیفیت بدتر، اعتراض کردند. در پایان این اجتماع اعتراضی که حدود ۶ ساعت به طول انجامید، دانشجویان با صدور بیانیه ای خواستار اقدامات سریع رئیس دانشگاه جهت بهبود اوضاع و حل مشکلات مربوطه شدند.

* تجمع کارکنان در برابر استانداری

کارکنان مرکز تجاری شهر وروستا در شیراز، با تحصن در برابر استانداری، نسبت به تصمیم مسئولین مبنی بر واگذاری این مرکز به بخش خصوصی، دست به اعتراض زدند. مسئولین جهت تخلیه غرفه ها، دوماه به کارکنان مهلت داده بودند، اما اعتراض کنندگان در خواست فرصت بیشتری کرده اند. شایان ذکر است که در این مرکز حدود ۱۳۰ غرفه وجود دارد که در هر یک دوفرمشغول به کار هستند و جملگی آنها نگران آینده شغلی خود هستند.

* دوخبر کوتاه

- بنا به گزارش روزنامه ایران، هجده طرح بانک صنعت و معدن به ارزش ۳۶/۸ میلیون دلار در سال گذشته به بانک ها برای دریافت تسهیلات ارزی معرفی شده اند. که اخیرا با گشایش ارزی برای تمامی آنها موافقت شده است.

- مدیرکل دفتر حراستی وزارت علوم، در آستانه سال تحصیلی جدید، با صدور بیانیه ای نسبت به فعالیت ها و "تنش های" دانشجویی هشدار داد. او از جمله چنین عنوان کرد که "باید از هرگونه تندروی و حرکت افراطی جلوگیری کنیم."

کمک مالی رسیده

سوئیس

فدائی شهید

رفیق کبیر حمید اشرف ۵۰ فرانک

* تجمع کارگران کارخانه

قند یاسوج در مقابل استانداری

صبح روز چهارم مهر ماه کارگران بخش فنی کارخانه قند یاسوج در مقابل استانداری تجمع نمودند و به عدم پرداخت سه ماه دستمزد و مزایای خود اعتراض کردند. این اجتماع اعتراضی کارگران به رغم تهدیدات مدیران کارخانه انجام گرفت. مدیر کل سیاسی-امنیتی استانداری در جمع کارگران حضور یافت و به آنها وعده داد که به درخواست آنها رسیدگی خواهد کرد.

* تجمع کارگران لوله سازی خوزستان

کارگران لوله سازی خوزستان که تعدادشان به حدود ۵۰۰ نفر می رسد، باردیگر در مقابل استانداری تجمع نمودند و نسبت به معوق ماندن حقوق و مزایای خود به مدت شش ماه، اعتراض کردند. کارگران فریاد می زدند، گرسنه ایم، گرسنه.

* کارگران بیکار شده

شهرداری همچنان بلاتکلفاند

متجاوز از ده هزار کارگر شهرداری تهران که از سال ۷۴ بیکار شده اند، به رغم اعتراضات مکرر همچنان بلاتکلیف اند. شرایط زندگی این کارگران به نحوی وخیم است که با گرسنگی و دستفروشی و فروش کلیه زندگی خود را می گذرانند. کارگران شهرداری تاکنون اجتماعات اعتراضی مختلفی برپا کرده اند و از سوی شورای اسلامی شهر تهران نیز به آنها وعده هایی داده شده است که به آنها عمل نکرده اند. کارگران خواهان بازگشت به کار، دریافت حق سنوات و پرداخت حق بیمه از سوی شهر - داری هستند. یکی از این کارگران که با ایسنا سخن می گفت، افزود که مسئولان به جای صحبت از مشکل اشتغال و بحران بیکاری، تکلیف ۱۵ هزار کارگری را روشن کنند که بیکار شده اند.

* تجمع اعتراضی دانشجویان دختر

دانشجویان دانشگاه امیرکبیر دست به اعتراض زدند و ضمن برپایی یک اجتماع اعتراضی در برابر خوابگاه بسطامی این دانشگاه، خواستار رسیدگی به مشکلات خود از جمله بالا بردن ظرفیت خوابگاه ها و بهبود شرایط آن شدند.

* تجمع کارگران کفش شادان پور

صدها تن از کارگران کارخانه کفش شادان پور، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های خویش، باردیگر در برابر این کارخانه دست به تجمع زدند. در اثر تجمع کارگران، عبور و مرور وسائل نقلیه در جاده قدیم کرج برای مدتی متوقف گردید. شایان ذکر است که نزدیک به ۳۰ ماه است که دستمزد کارگران پرداخت نشده است. کارگران کفش شادان پور که مدت هاست سرگردان و بلاتکلیف اند، در این تجمع اعتراضی خواستار پرداخت حقوق های معوقه خود شدند.

* تجمع اعتراضی کارگران چوخا

کارگران کارخانه نساجی چوخای ساری، بار دیگر دست به اعتراض زدند و روز سه شنبه ۲۶ شهریور ماه، با تجمع در برابر بانک صنعت و معدن ساری، خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شدند. نیروهای سرکوب، اجتماع اعتراضی کارگران را مورد هجوم قرار دادند که در اثر آن چند تن از کارگران مجروح شدند. بیش از ۲۰ ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده است. کارگران خواستار حقوق های عقب افتاده، بیمه بیکاری و پایان بلاتکلیفی خود شدند.

* اعتراض کارگران مهیاران

صدها تن از کارگران کارخانه ریسندهی و بافندگی مهیاران اصفهان، در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خویش، در برابر استانداری اصفهان دست به تجمع زدند و خواستار پرداخت یازده ماه حقوق و مزایای معوقه خود شدند.

* تجمع کارگران نازنخ

کارگران کارخانه نازنخ قزوین، در اعتراض به عدم پرداخت حقوق های خود، دست به تجمع اعتراضی زدند. بیش از سه ماه است که دستمزد کارگران این کارخانه پرداخت نشده است. کارگران با اجتماع در برابر استان داری، خواستار پرداخت فوری مطالبات خود شدند.

* اعتراض کارگران پالایشگاه سرخس

گروه زیادی از کارگران پالایشگاه سرخس، در اعتراض به سیاست های مدیریت و عدم پیگیری و پاسخگویی مطالبات خود، در اواسط شهریور ماه دست به اعتصاب غذا زدند. هم زمان با اعتصاب غذای کارگران و در حمایت از آن، خانواده های کارگران نیز در دفتر شورای شهر سرخس دست به تجمع اعتراضی زدند.

زنده باد سوسیالیسم

گزارشی از انتخابات سوئد

پشت پرده انتخابات در سوئد و ریاکاری جریان راست

در پی تشدید گرایشات نژاد پرستانه و خارجی ستیزی در کشورهای مختلف اروپا، از جمله در فرانسه، دانمارک، اتریش، بلژیک، هلند، اکنون شاهد رشد این گرایشات در سوئد هستیم.

روز ۱۵ سپتامبر انتخابات سراسری در سوئد برگزار شد که مردم شاهد بروز برخورد ها و صحبت های تکان دهنده و نژاد پرستانه ای از سوی نمایندگان متعدد احزاب شرکت کننده بودند که این موضوع به سهم خود در نتایج انتخابات نیز تاثیر گذاشت.

در کشور سوئد ۷ حزب، نمایندگانی در پارلمان دارند که به دو جناح، بورژوازی و "چپ و سو-سیالیست" معروف هستند. احزاب دمکرات مسیحی، مدرات یا حزب میانه رو، مرکز و لیبرال مردم از جناح بورژوازی هستند و احزاب سوسیال دمکرات، چپ و محیط زیست را "چپ و سوسیالیست" می نامند.

البته این احزاب به اصطلاح چپ و سوسیالیست، به لحاظ پذیرش روند استثماری سرمایه و تاکید بر خصوصی سازی، هیچگونه اختلاف ماهوی با احزاب بورژوازی ندارند. در کنار این احزاب در قدرت و خارج از پارلمان، احزاب کوچکتری هم هستند که در راستای انتخابات کمون (شورای شهر) فعالیت می کنند. از جمله KPML(r) یعنی حزب مارکسیست لنینیست (انقلابی) با کسب ۱۱ کرسی در ۳ کمون و از سوی دیگر دمکراتهای سوئد یا همان نژاد پرستان آشکار (راسیستها) که در این دور انتخابات کمونی، رشد چشم گیری داشتند و در ۲۳ کمون به ۵۷ کرسی دست یافتند.

به هر رو در جریان مبارزات انتخاباتی، هر کدام از این احزاب یک یا چند موضوع برای خود برگزیده بودند که بتوانند حول و حوش آن تبلیغ کنند و افکار عمومی را به طرف خود جلب نمایند. مثل پائین آوردن مالیات ها بردآمد، بهبود وضعیت مدارس، رفاه عمومی، بازنشستگان، حمایت از شرکت های کوچک و غیره.

در حین تبلیغات انتخاباتی میز گرد تلویزیونی با شرکت رهبران ۷ حزب تشکیل شد که اولین سؤال، مسئله پناهندگان و مهاجرین در رابطه بهم پیوستگی با ایننگراسیون بود که در عین حال یکی از داغ ترین مباحثی بود که توانست افکار عمومی را به طرف خود جلب نماید.

در این رابطه از جمله حزب لیبرال مردم (FP) مطرح کرد چنانچه هر مهاجری بخواهد به تابعیت سوئدی درآید باید یک آزمون یا تست زبان بدهد. تنها بعد از قبولی در این آزمون است که به آن تابعیت تعلق می گیرد. این حزب که تادوره قبل حدودا از حد نصاب چهار درصد آراء عمومی جهت وارد شدن به پارلمان برخوردار بود و با اتخاذ سیاستهای شکست

خورده شان هر لحظه خطر عدم ورود به پارلمان تهدیدشان می نمود، با طرح این شعار به ۱۳/۲ درصد آراء عمومی دست پیدا کرد و بیشترین رشد را که ۱۳٪ بود به خود اختصاص داد. حالا چرا این شعار را محور تبلیغاتی خود قرار دادند و چرا این شعار باب میل بسیاری از رای دهندگان بود، موضوع این نوشته نیست. بلکه منظور پرداختن به ریاکاری جریان راست می باشد.

در طی تبلیغات انتخاباتی خبرنگاران دوشیوه گفتگو با نمایندگان احزاب و مبلغین را به کار گرفتند. یکی به شکل آشکار و جلوی دور بین تلویزیون و دیگری به شکل غیر رسمی با دوربین مخفی و بدین شیوه با هر نماینده ای که ترکیبی از سوسیال دمکراتها، حزب میانه رو (مدرات ها) حزب مرکز، حزب دمکرات مسیحی بود، گفتگوهایی صورت گرفت. این گفتگوها در بیش از ۳۰ شهر و ۵۰ اتاقک انتخاباتی تبلیغی انجام شد. جنبه هایی از سخنان نمایندگان این احزاب را که آشکارا خصائل نژاد پرستانه و بیگانه ستیزی آنها را مدلل می ساز و در عین حال از ریاکاری های این دسته از جریان بورژوازی و راست پرده برمی دارد، با هم مرور می کنیم.

دو نماینده از سوسیال دمکراتها: کسانی که خطرناک و تهدیدی جدی برای جامعه سوئد می باشند مسلمانان هستند. هر چقدر اینها را بیشتر راه دهیم مشکلات اجتماعی را افزایش خواهند داد. مهاجرین را باید به کشورهای - شان برگردانیم و فکر می کنم نباید ایرانی ها و عراقی ها مورد پذیرش قرار گیرند، من به این امر اعتقاد دارم.

نماینده دمکرات مسیحی: بین ۷۰ تا ۸۰ درصد مهاجرینی که از شرق می آیند تقلب کارند. آنها بی که نمی خواهند کار کنند و فقط کمک اجتماعی می گیرند و کار سیاه می کنند، به اینجا می آیند. ضمن این که حقوق زیادی از سوسیال می گیرند، مخرج خانه و فرزندان و درمانشان سرسام آور است. هنگامی که تقاضای اقامت می کنند و جوابی نمی گیرند در حین انتظارشان ۲ تا ۴ سال همین جوری کمک مجانی می گیرند.

نماینده حزب مرکز: حزب خارجی ستیز دانمارک نسبت به مهاجرین و رنگین پوستها کاملا درست عمل می کند.

۱۲ نماینده از حزب میانه رو (مدرات ها) چنین می گویند: دانمارک نسبت به مهاجرین به هیچ وجه اشتباه نمی کند و این بحث حتما بعد از انتخابات باید صورت گیرد. همگی باید آزمون زبان بدهند. ما کردها، یوگسلاو ها و کوسوو آلبانی های بیش از حدی داریم و مسلمانان اصلا رفتار خوبی ندارند، آنها متخصص درست کردن بچه هستند و از ما سوء استفاده می کنند.

ما آفریقایی های زیادی در بوته بوری

(گوتنبرگ) داریم که اصلا صحیح نیست. پشت هر درب خانهای حداقل شش نفر قد و نیم قد زغال سیاه به همراه مادرهای چاق و گنده شان که حتما می توانند سوئدی صحبت کنند، مثلا از گامبیا، وجود دارند. مادرها از خانه بیرون نمی آیند و مردهایشان هم فقط در کافه تریاها به سر می برند و کار - شان هم حقوق سوسیال گرفتن است. (این فرد رئیس یک کمون است و زمانی هم به عنوان یک فعال صلیب سرخ در آفریقا فعالیت داشته است).

نماینده دیگری می گوید: من در شورای اداره مهاجرین بودم که مدت ۱۵ تا ۲۰ سال این اداره شروع به پذیرش شیلیایی ها کرده است، آنها بی که در شیلی باید برای نان کار کنند، درسوند نه تنها احتیاجی به کار ندارند بلکه مجانی پول هم می گیرند. شیلیایی های زیادی به اینجا آمدند که ژنرال پینوشه فرصت نکرد آنها را از میان بردارد.

هنگامی که به بازارهای بزرگ نگاه می کنی زنان عجزه مسلمان را می بینی که سه قدم پشت سرشورانشان حرکت می کنند با مقنعه و چادر سیاه و بلند که اینها باید از صافی عبور کنند. ما باید آنها را متوقف کنیم و در قرار - هایشان کنترل کنیم.

چندی پیش با رهبر حزب مان در جلسه آموزشی رهبران شرکت کردیم و ایشان هم گفت که پذیرش مهاجرین اشتباه است. اما نمی توانیم راست و پوست کنده در بیرون اعلام کنیم، چون که به ما مارک راسیست بودن می زنند!!!

ما درس خواندیم و کار کردیم اما آفریقایی های زیادی در این مملکت ریختند و نمی روند کار کنند.

باید این قضیه را در یک جا خاتمه داد، ما نمی توانیم فقط آنها را راه بدهیم، نصف جمعیت باید کارکنند برای آن نصف دیگر، این جوری نمی شود.

ما هیچ احتیاجی به کولی ها نداریم. من می خواهم در محلی که مهاجرین زندگی می کنند جایم را عوض کنم.

اینها تنها خودشان به سوئد نمی آیند بلکه نیمی از طایفه شان را هم می آورند.

البته یک بی میلی شدیدی در سوئد علیه مهاجرین وجود دارد. این گفته آخرین نماینده بود.

تمام گفته های فوق از طریق دوربین مخفی فیلم برداری شده بود، معذا همین نمایندگان در برابر تلویزیون حتما باید فیلم خودشان منکر حرف های خود می شدند!!

هر چند جناح به اصطلاح چپ و سوسیالیست با کسب ۵۳٪ آراء بر جناح رقیب بورژوازی با ۴۴٪ آراء پیروز شد، اما آنچه حائز اهمیت است رشد روز افزون پدیده نژاد پرستی و نژاد پرستان است. آنان چه به طور آشکار و علنی و چه به طور مخفیانه به سازماندهی خود مشغول هستند. اگر گروهی از نژاد پرستان که در حزب

**در برابر تعرض سرمایه داران
به حقوق کارگران باید ایستاد!**

تظاهرات مردم جهان علیه سیاست‌های جنگ طلبانه امپریالیسم آمریکا

فلسطینی شدند و از حقوق و مطالبات مردم فلسطین دفاع نمودند.

در حالی که میلیونها تن از مردم سراسر جهان نفرت و انزجار خود را از سیاست‌های جنگ طلبانه امپریالیستی ابراز می‌دارند، نمایندگان سیاسی انحصارات آمریکایی و انگلیسی، برای پیشبرد مقاصد جنگ طلبانه خود، به مانورهای جدیدی دست زده‌اند تا شاید بتوانند پشتوانه "جامعه بین‌المللی" را چاشنی اقدامات جنگ طلبانه و تجاوزکارانه خود سازند. از این روست طلبانه که فرستاده‌های جرج بوش، دوره گردی جدیدی را آغاز کرده‌اند تا دیگر قدرت‌های امپریالیست جهان را که اکنون به علت تضاد منافع و نیز فشار افکار عمومی از تأیید اقدامات جنگ طلبانه آمریکا علیه مردم عراق خود داری کرده‌اند، متقاعد سازند که اگر در این جنگ مستقیماً شرکت نمی‌کنند لاقبل علیه آن اقدام نکنند و از قطعنامه‌های اولتیماتوم وار آمریکا و انگلیس علیه عراق در شورای امنیت حمایت کنند تا لشکر کشی نظامی به عراق با پشتوانه تأیید سازمان ملل همراه باشد. اما در اوضاع بین‌المللی کنونی که تقریباً تمام جهان به مخالفت با برافروخته شدن جنگ، علیه عراق برخاسته‌است، بعید است که بتوانند در این زمینه توفیقی به دست آورند. با تمام این اوصاف در این مسئله شکی نیست که امپریالیسم آمریکا برای پیش برد مقاصد سیاسی و اقتصادی خود در منطقه خاور میانه و آسیای مرکزی و نیز فائق آمدن بر بحران اقتصادی که با آن دست به گریبان است، شدیداً در پی برافروختن این جنگ نه فقط علیه عراق، بلکه در آینده علیه کشورهای دیگر است.

مردم سراسر جهان اعتراض و مخالفت خود را نسبت به سیاست‌های جنگ طلبانه و جنایت-کارانه، توسعه طلبانه و راهزنانه امپریالیسم آمریکا ابراز می‌دارند. در چند روز گذشته، در تعداد دیگری از کشورهای جهان، مردم با راهپیمایی‌ها و تظاهرات گسترده، جنون جنگ طلبانه آمریکا را محکوم کردند. بزرگ‌ترین این تظاهرات که نزدیک به نیم میلیون تن در آن شرکت نمودند، روز شنبه ۲۸ سپتامبر در لندن برگزار شد. مردم انگلیس در این تظاهرات، تلاش تبهکارانه دولت‌های آمریکا و انگلیس را در برافروختن جنگی جدید علیه مردم عراق محکوم کردند و اهداف واقعی امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی را برای سلطه انحصاری بر منابع نفتی خاور میانه، رونق بخشیدن به بازار انحصارات تسلیحاتی و توسعه طلبی‌های ارضی بر ملا کردند. تظاهر کنندگان فریاد می‌زدند جنگ را متوقف کنید. در همین روز با فراخوان حزب کمونیست نوبنیاد ایتالیا، تظاهرات گسترده‌ای برپا گردید و حدود ۲۰۰۰۰۰ تن در تظاهرات شرکت کردند. در این تظاهرات، زحمتکشان ایتالیایی، جنگ افروزی امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی را محکوم نمودند. در برخی دیگر از کشورهای جهان نیز از جمله در استرالیا، تظاهراتی در ابعادی کوچک تر صورت گرفت. شرکت کنندگان در تظاهرات روز شنبه، هم چنین سیاست‌های فاشیستی، سرکوبگرانه و توسعه طلبانه رژیم نژاد پرست اسرائیل به رهبری شارون را محکوم کردند. خواهان خروج نیروهای اشغالگر اسرائیلی از سرزمین‌های مردم

این ارگان از مسئولیت در قبال کارگران و ارائه خدمات به کارگرانی است که سالها حق بیمه پرداخته‌اند و به یک عبارت، سازمان تأمین اجتماعی با این شگرد در واقع دارد زمینه لغو و حذف این کمک‌ها و خدمات را فراهم می‌کند.

در یک کلام، تعرض طبقه سرمایه دار و دولت حامی آن علیه طبقه کارگر و سطح معیشت کارگری هم‌مجانبه‌است. شرایط کار، اصول و معیارهای ناظر بر روابط میان کارگر و کارفرما، عملاً به دست اراده و میل سرمایه دار سپرده شده‌است. همان دیدگاهی که در زمان تدوین قانون کار، اجبار کارفرما رابه رعایت برخی شرایط و موازین "خلاف شرع" می‌دانست و از "باب‌اجاره" دفاع می‌کرد، امروز بعد از دو دهه و زمانی که جبهه دوم خرداد و "اصلاح طلب"، هم قوه اجرایی و هم قوه قانون گذاری را در دست دارد، عملاً پذیرفته شده و دارد اجرا می‌شود! اگر توکلی وزیر کار وقت رژیم نتوانست ایده‌های ضد کارگری و فزاینده خود را عملی سازد و این درجه از فشار و بی حقوقی را بر کارگران تحمیل کند، اکنون آقای خاتمی اندک اندک دارد به آن جامعه عمل می‌پوشاند. در برابر این تعرض سرمایه داران داخلی و شرکای خارجی آنها، طبقه کارگر باید بایستد و محکم‌تر از دو دهه قبل هم باید بایستد و از دست آورده‌های خود حفاظت کند. کارگران صرف نظر از این که در کدام کارخانه و یا کارگاه به کار مشغولند و یا در معرض اخراج و بیکاری‌اند، و مستقل از این که در واحد تولیدی آنان چند نفر به کار مشغولند، باید متحداً علیه این زورگویی و تعرض دست به مقاومت و مبارزه بزنند. اگر کارگران مبارزه وسیعی را مستقل از تشکلهای رژیم می‌کنند که برای هزارمین بار همدستی خود را با سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها از جمله در جریان تهیه و تنظیم همین آیین نامه اجرایی ماده ۱۹۱ قانون کار نشان داده‌اند، سازمان دهند، اگر متحد و یکپارچه وارد میدان شوند، بدون تردید قادر خواهند بود جلو تعرض سرمایه داران را بگیرند. در عین حال وظیفه کمونیست‌ها و همه نیروهای چپ انقلابی است که از این مبارزات و از خواست‌های کارگری فعالانه دفاع و حمایت کنند و کارزار وسیعی را علیه تعرض سرمایه داران سازمان دهند.

تداوم اعتراضات علیه سیاست‌های اقتصادی امپریالیستی

که به استثمار وحشیانه نیروی کار ارزان می‌پردازند، به اجرای نمایش پرداختند. گروهی با جلوگیری از تردد اتومبیل‌ها، اعتراض سمبلیک خود را به آلودگی محیط زیست، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه که به زباله‌دان صنایع کشورهای صنعتی بدل شده‌اند، نشان دادند. وسعت اعتراضات فوق وانعکاس وسیع آن موجب شد، پلیس به شیوه‌های گوناگون از تجمع شرکت کنندگان ممانعت به عمل آورد و علی‌رغم اعتراضات آرام، دهها تن از تظاهر کنندگان را دستگیر نمودند.

هم‌زمان با برگزاری نشست وزرای اقتصاد و دارایی کشورهای جهان که به منظور شرکت در اجلاس سالبانه بانک جهانی در واشنگتن گرد آمده بودند، هزاران تن با تظاهرات، مخالفت خود را با سیاست‌های اقتصادی امپریالیست‌ها که نتیجه‌ای جز خانه خرابی، فقر و بیکاری فزاینده در بر نداشته، به نمایش گذاردند. تظاهر کنندگان با اقدامات متنوع سیاست‌های فوق را افشاء و محکوم نمودند. گروهی از آنها، در اعتراض به شرایط کار در کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی در کشورهای در حال توسعه

گزارشی از انتخابات سوئد

"دمکراتهای سوئد" متشکل شده‌اند، شمشیر را از رو بسته‌اند و آشکارا اهداف راسیستی خود را بیان و تبلیغ می‌کنند و همین‌ها ۵۷ کرسی در ۲۳ کمون را به دست آوردند. گروه دیگری از

آنان که در احزاب مختلفی متشکل شده‌اند، هر چند که در انتخابات اخیر پارلمانی با ۴۴٪ آراء شکست خوردند، اما آنها نیز در حین کمک به نژاد پرستان آشکار، اهداف و مقاصد نژاد پرستانه خود را در شکل مخفیانه تری پیش می‌برند در عین‌آنکه دست از دورویی و ریا نیز بر نمی‌دارند. انتخابات اخیر سوئد یک

باردیگر رابطه تنگاتنگ پدیده نژاد پرستی و بیگانه ستیزی با طبقه سرمایه‌دار و نظام سرمایه داری را به نمایش گذاشت. این انتخابات در عین حال بار دیگر بر این حقیقت صحنه گذاشت که مبارزه علیه تبعیض و نژاد پرستی و دفاع از حقوق پناهندگان و تبعیدیان از مبارزه علیه بورژوازی جهانی جدا نیست.

وحشی‌گری جدید حکومت اسلامی

قاضی اجرای احکام به هنگام اجرای حکم اعدام گفت که "اجرای حدود الهی قاطعانه ادامه پیدا خواهد کرد و اعدام‌ها در ملاء عام می‌تواند درس عبرتی باشد و شرارت‌ها را کاهش دهد." وی در عین حال اجرای چنین احکامی را خواست "مردم‌مسلمان" اعلام نمود که "از قوه قضائیه توقع برخورد قاطع دارند." والیته برای این که نشان‌دهند که این "مردم مسلمان" تا چه حد از وحشی‌گری لذت می‌برند، چند صد حزب الهی را هم به محل اجرای احکام اعدام آورده بودند تا با شعار الله‌اکبر وحشی‌گری را تأیید کنند و خواهان افزایش آن گردند. روزنامه ایران از قول یکی از همین زنان حزب الهی نوشت: "ای کاش اقدام مشابهی نیز در مورد دختران و زنان خیابانی صورت گیرد که جوانان را به تباهی می‌کشند." اما چرا مسئله دختران خیابانی در اینجا مطرح می‌شود؟ به این علت که ۵ جوانی که به اعدام محکوم شدند، اتهام ربودن را رد کرده بودند و شاکیان را زنان خیابانی معرفی نمودند. به هر حال، اصل قضیه هر چه باشد، در این واقعیت تغییری پدید نمی‌آورد، که اعدام این ۵ جوان یک اقدام وحشیانه حکومت اسلامی ست و در عین حال در این قضیه هم تغییری ایجاد نمی‌کند که مجرم اصلی در اینجا حکومت اسلامی ست. چرا که حکومت اسلامی با ایجاد تضيیقات و فشار -های بی حد و حصر و تحمیل محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی متعدد، زنان و جوانان را در معرض آسیب‌های اجتماعی فراوانی قرار داده است. جمهوری اسلامی دشمن شماره یک زنان است. این دشمنی را در محروم کردن زنان از حقوق سیاسی و اجتماعی به عریان -ترین شکل ممکن نشان داده است. آنها را -حتا از حقوق انسانی شان محروم کرده است. تضيیقات را به زندگی شخصی و خصوصی شان نیز بسط داده است. حکومت اسلامی با وسعت دادن به ابعاد فقر در جامعه، هزاران و دهها هزار زن را به فحشاء و خودفروشی سوق داده است. آخوند وقاضی و زندانبانان به دختران جوان و کم سن و سال تجاوز می‌کنند. آنها را در فاحشه خانه‌هایی که دایر کرده اند به مقامات دولتی و پولدارها می‌فروشند. و بعد هم که گند قضیه درمی‌آید، چند روزی آنها را زندانی می‌کنند و بعد ولشان می‌کنند، و صدها و هزاران نمونه افشاء شده از این دست. حالا ادعا می‌کنند به خاطر دفاع از زنان و حفظ امنیت آنها، اعدام در ملاء عام را برپا می‌کنند تا درس عبرتی باشد برای دیگران و با همین ادعا زنانی را که قربانیان نظم موجودند، سنگساری نمایند و بعید نیست که فردا با همین ادعاها زنان فاحشه را نیز که قربانیان نظام سرمایه داری و حکومت‌اللهاند، در خیابان

گزارشی از غرفه تشکیلات خارج کشور سازمان در جشن اومانیته غرفه تشکیلات خارج سازمان فدائیان (اقلیت) در جشن اومانیته سال ۲۰۰۲

بادریافت نشریات و گفتگو با مسئولان غرفه با مواضع و نظرات سازمان آشنا شدند. چند نمایندگی از سازمان‌ها و احزاب دوست غیر ایرانی در غرفه خلاف جریان حضور یافتند. خبرنگاریک رادیوی آمریکایی به نام Pacific Radio که در شصت نقطه این کشور رله می‌شود با یکی از رفقای غرفه در مورد تاریخچه سازمان، وضعیت رژیم جمهوری اسلامی و مواضع هیئت حاکمه فعلی ایالات متحده در رابطه با ایران مصاحبه کرد. در ضمن یک ویژه نامه خلاف جریان به زبان فرانسوی تهیه شده بود که در صدها نسخه پخش شد. بحث‌هایی که امسال در فوروم‌های جشن، برنامه ریزی شده بود بیشتر در رابطه با مبارزات مردم فلسطین، وضعیت وخیم سیاسی و اقتصادی در آمریکای جنوبی و خطر جنگ در خاور میانه و به ویژه عراق بود که امیر-یالیسم آمریکا و موثلفانش می‌خواهند به راه بیاندازند. گفتنیست که موضوع یکی از بحث -ها در بخش بین‌المللی جشن "چگونه مبارزات را برای یک انترناسیونالیسم نوین، جهانی کنیم؟" بود.

تشکیلات خارج کشور سازمان مابرای پنجمین سال پیاپی غرفه ای به نام "خلاف جریان" در جشن اومانیته داشت. خلاف جریان، نشریه تشکیلات خارج کشور سازمان است که هر ۳ ماه یک بار به دو زبان انگلیسی و فرانسوی منتشر می‌شود و دربرگیرنده ترجمه مقالاتی از کار و اخبار کارگری ایران است. جشن اومانیته نیز از سوی دست اندرکاران این نشریه، ارگان حزب کمونیست فرانسه، از پیش از پنجاه سال پیش در اواسط سپتامبر هر سال برگزار می‌شود.

جشن امسال، که نزدیک به پانصد هزار نفر در آن شرکت کردند، روزهای ۱۳، ۱۴ و ۱۵ سپتامبر در پارک بورژیه، در شمال پاریس برگزار بود. غرفه تشکیلات خارج کشور سازمان در بخش بین‌المللی جشن قرار داشت که در آن نزدیک به صد نمایندگی خارجی از جمله نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا (FRAC) و احزاب کمونیست ویتنام، کوبا، پرتغال و جمهوری چک حضور داشتند. در طی سه روز جشن، صدها فرانسوی، غیر ایرانی و دهها ایرانی از غرفه خلاف جریان دیدن کردند و

مراسم چهاردهمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران

در زندان‌های سیاسی زنان در ایران را تصویر می‌کرد. در پایان این شب یادمان، کیهان قطعاتی را با ویولن نواخت و چند ترانه به‌طور غیر منتظره توسط میهن جزئی خوانده شد. مجری زن برنامه با خواندن اشعاری در بین برنامه‌ها شور دیگری به این شب یادمان داد. سالن برنامه با شعارهایی مبنی بر سرنگونی جمهوری اسلامی، آزادی زندانیان سیاسی و محاکمه کلیه سران رژیم برای جنایت علیه بشریت و نیز دست‌نگلی که گلباران یک سلول زندان را نشان می‌داد، تزئین شده بود. فعالین سازمان در فرانسه نیز یک پیام هم-بستگی به شرکت‌کنندگان و برگزارکنندگان این شب ارسال کردند.

انجمن دفاع از زندانیان سیاسی و عقیدتی در ایران مراسمی را به یاد زندانیان سیاسی که در تابستان ۱۳۶۷ توسط رژیم جمهوری اسلامی کشتار شدند در روز ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۲ در پاریس برگزار کرد. این مراسم که با استقبال نزدیک به دویست نفر روبه رو شد با گزارشی مختصر در مورد سرکوب‌ها، ترورها و اعدام‌ها در یک سال اخیر آغاز شد. سپس یک نوازنده مترقی فرانسوی به نام رولان به اجرای چند قطعه با گیتار پرداخت. پس از آن نوبت به شاعر سرشناس نعمت‌آزم رسید که چند شعر از خود را به همراهی ویولن برای حاضران خواند و بسیاری از حاضران را تحت تاثیر شدید قرار داد. پس از آن تراکت، گروه تاترینیا نمایشی به نام شب‌نم‌های آتشین را اجرا نمود که شکنجه

در خیابان جرم‌است و مورد بازخواست و جلب آنها به مرکز پلیس. روشن است که در چنین کشوری مسبب اصلی تمام مصائب اجتماعی، نظم موجود و متهم درجه اول، حکومت اسلامی -ست. وحشی‌گری‌های رژیم، اعدام و سنگسار و شلاق و شکنجه و زندان هم اجزای دیگری از جنایات بی شمار این متهم اند.

-ها به‌دار بکشند تا این هم درس عبرتی باشد برای دیگران، که این دیگران البته توده‌های فقیر و بی چیز جامعه اند. فشارهایی که جمهوری اسلامی بر جوانان علی-العموم وارد می‌آورد و تضيیقات و محدودیت -های بی‌شماری که این جوانان با آنها روبرو هستند، برهیچکس پوشیده نیست. اینجا کشوری -ست که حتا راه رفتن یک دختر و پسر جوان

عواقب یک بدهی هشتاد میلیارد دلاری

که ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار از وام های ارزان قیمت دوران آقای هاشمی پرداخت شده است، اما در قالب قراردادهای نفت و گاز و بعضی قراردادهای دیگر همچون بای بک، پیش فروش محصولات، بیوزانس، بیع متقابل و غیره برای ایران میزان بدهی ایجاد شده سر به ۸۰ میلیارد دلار می زند.

بلافاصله پس از این اظهارات، مقامات اقتصادی حکومت اسلامی به ناگزیر واکنش نشان دادند. وزیر اقتصاد و دارایی بدون این که رقم بدهی اعلام شده از سوی محمد هاشمی رییس دفتر سیاسی کارگزاران راتکذیب کند، تنها گفت که "اظهار نظر ایشان خیلی کلی و غیر دقیق بود."

نوربخش، رییس کل بانک مرکزی نیز در پاسخ به خبرنگار ایرنا گفت آنچه که به بانک مرکزی مربوط است و جزء تعهدات این بانک محسوب می گردد از ۲۱ میلیارد دلار تجاوز نمی کند. مابقی مربوط به قراردادهای بیع متقابل و تعهدات وزارت نفت است که جزء تعهدات بانک مرکزی محسوب نمی شود. او ضمناً گفت که "من راجع به صحت و سقم این اظهارات نظر نمی دهم." اما وزیر نفت چه گفت؟ وزیر نفت نیز اعلام نمود تعهداتی که این وزارتخانه ایجاد نموده است حدود ۲۳ میلیارد دلار است. اما همین آقای وزیر نفت یک روز پس از این اظهارات در مصاحبه دیگری ضمن رد گزارش مرکز پژوهش های مجلس در مورد ایجاد تعهد ۱۰۲ میلیارد دلاری از سوی وزارت نفت، رقم ۲۳ میلیارد دلار را به ۱۹ میلیارد کاهش داد و گفت بخش زیادی از رقم اعلام شده در گزارش مرکز پژوهش ها مربوط به تعهدات ایجاد شده از سوی وزارتخانه های دیگر است. اما این که وزارت خانه های دیگر کدامند؟ به آن اشاره نکرد. لابد چندین میلیارد دلار آن مربوط به وزارت خانه های بازرگانی، صنایع، کشاورزی و امثال آنهاست. میلیاردها دلار مربوط به وزارت دفاع و خریدهای هنگفت تسلیحات است و میلیاردها دلار توسط موسسات و بنیادهای رنگارنگ دولتی و مذهبی تعهد ایجاد شده است. از این قرار معلوم میزان بدهی دولت به موسسات و نهادهای انحصاری بین المللی از ۱۰۰ میلیارد دلار هم تجاوز می کند. چون سراغ هر وزارتخانه و موسسه دولتی که گرفته شود، چند ده میلیارد دلار به عنوان تعهداتی که ایجاد نموده می پذیرند و بقیه را

به وزارتخانه ها و موسسات دیگر حواله می دهند. این که چنین بدهی هنگفتی چه تاثیرات مخرب و وحشتناکی بر زندگی کارگران و زحمتکشان ایران گذاشته و در آینده در ابعاد وخیم تری برجای خواهد گذاشت بررسی پوشیده نیست. این بدهی بدان معناست که رقمی در حدود ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار قرض بر دوش توده های زحمت کش مردم گذاشته شده است. کارگران ایران باید جان بکنند، بیشتر تولید کنند، کمتر بخورند و فقیرتر شوند، تا بخشی از این قروض پرداخت گردد. تفاوتی نمی کند، که این پرداخت نقدی باشد یا پرداخت از طریق نفت به بهای ارزان. ثروت های طبیعی و زیر زمینی جامعه که باید در خدمت آسایش و رفاه کنونی مردم و آیندگان قرار می گرفت، از هم اکنون پیش فروش شده اند. با این همه، حجم این بدهی کلان نه تنها کاهش نخواهد یافت، بلکه با بهره های سنگینی که با عناوین واسامی مختلف بر آنها بسته شده است، سال به سال افزایش خواهد یافت. این تعهد کلان در حالی ایجاد شده است که بخش اعظم آن به جیب سرمایه داران ایرانی و سران دستگاه دولتی و مذهبی سرازیر شده است. بخش دیگر آن را دستگاه انکل دولتی بلعیده است. بخشی را نیز که ادعا می کنند در زمینه صنعتی و اقتصادی سرمایه گذاری کرده اند، از هم اکنون به شکل های مختلف به جیب زده اند و پیشاپیش آنها را به انحصارات بین المللی فروخته اند که تا چندین سال مفت و مجانی آنها را ببرند و سود آنها را به جیب بزنند.

این همه در حالی است که خزانه دولت در آغاز نیمه دوم سال تا آنجایی تهی است که هم اکنون کابینه خاتمی در جستجوی راهی برای تامین هزینه های دستگاه دولت در نیمه دوم سال جاری است. فروش اوراق قرضه داخلی و خارجی هم کفایت نکرد. راه باقی مانده، قروض جدید دولت از بانک های داخلی، کاهش بیشتر ارزش پول، افزایش نرخ تورم و کاهش بیشتر قدرت خرید و تنزل بیشتر سطح معیشت کارگران و زحمتکشان است. و فاجعه آنجایی رخ خواهد داد که در نتیجه نوسانات در بازار نفت، بهای نفت دوباره کاهش یابد و تمام بار این کاهش، بر دوش کارگران و توده های زحمتکش قرار داده شود. عواقب وحشتناک بدهی ۸۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلاری، هنوز در پیش است.

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)، نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه برای دوستان و آشنایان خود در خارج از کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایمان را به یکی از آدرسهای زیر پست کنند.

آلمان
K. A. R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

اتریش
Kar
Postfach 260
1071, Wien
Austria

دانمارک
I. S. F
P. B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

سوئد
M. A. M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

سوئیس
Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

فرانسه
A. A. A
MBE 265
23, Rue L ecourbe
75015 Paris
France

کانادا
K.Z
P.O.BOX
2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایند

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱

۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۷۲

پست الکترونیک E-Mail:

info@fedaiyan - minority.org

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

http://www.fedaiyan - minority.org



Organization Of Fedaiyan (Minority)

No.390 oct 2002

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی